

توافق هسته‌ای برای روحانی کلید جادویی نبود ایران در بحرانی تازه

به قلم مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

۲۸ سپتامبر ۲۰۱۸

همچنین دست‌یافتنی به

/ (English (/policy-analysis/nuclear-deal-was-not-magic-wand-rouhani-iran-new-crisis

العربية (/ar/policy-analysis/alatfaq-alnwwy-lm-ykn-saan-shrytan-lrwhany-ayran-fy-azmt-jdydt/)

درباره نویسنده



مهدی خلجی (/fa/experts/mhdy-khljy-0/)

مهدی خلجی عضو ارشد و هموند پژوهشی خانواده لیبتسکی در انستیتو واشنگتن پژوهشگر تشیع فلسفه و کارشناس سیاست ایران



مقاله‌ها و دیدگاه‌ها

رئیس‌جمهور ایران همه مسایل دیگر را کنار گذاشت و تنها بر پرونده هسته‌ای تمرکز کرد و امروز کشورش پیامدهای آن را حس می‌کند

در میان دوره تازه‌ای از تنش‌ها بین دو کشور ایران و آمریکا و به دنبال خروج یک‌جانبه آمریکا از توافق هسته‌ای موسوم به برجام دونالد ترامپ رئیس‌جمهور آمریکا و حسن روحانی رئیس‌جمهور ایران در مجمع عمومی سازمان ملل در نیویورک شرکت کردند هیچ دیدار دوجانبه‌ای بین‌شان رخ نداد و به جای آن اتهام‌زنی‌های دو طرف بالا گرفت اوضاع اگر بدتر نشده باشد بهتر هم نشده است

از دید رئیس‌جمهور ایران تصمیم ترامپ به خروج از توافق هسته‌ای نه تنها دستاورد چندین سال تلاش دیپلماتیک را بر باد داده بلکه اعتبار سیاسی خود روحانی را هم در داخل و خارج تخریب کرده است موفقیت در دیپلماسی هسته‌ای بسیار دشوار می‌بود اگر روحانی با تلاشی چشمگیر نمی‌توانست تأثیرات فوری و دگرگون‌ساز آن را در چشم مردم بزرگ‌نمایی کند و با اطمینان بخشی درباره استحکام توافق هسته‌ای حمایت خامنه‌ای را به دست آورد و یا به رهبر ایران این امید واهی را بدهد که این توافق تأثیر دگرگون‌کننده‌ای بر سیاست آمریکا در خاورمیانه و به سود ایران خواهد داشت

در عین حال این توافق امضا نمی‌شد اگر به کشورهای غربی اینطور وانمود نشده بود که راه‌حلی بی‌بدیل برای عادی‌سازی رفتار ایران است و رهبری کشور را به ترک دستور کار توسعه طلبانه و بی‌ثبات‌کننده در سیاست خارجی تشویق خواهد کرد غرب خامنه‌ای و مردم ایران همگی به خطا تصور کرده بودند که توافق هسته‌ای خاصیتی دگرگون‌ساز به سود آنها دارد ولی اندک‌زمانی پس از امضای توافق ناکارآمدی آن در تحقق وعده‌ها برای تغییرات سریع و واقعی تبدیل به مضمون مشترک شکایت‌های هر سه طرف شد

روحانی از یک کلید به عنوان نماد مبارزات انتخاباتی ریاست‌جمهوری در سال ۲۰۱۳ استفاده کرده بود با القای این‌که مذاکره بر سر مسأله هسته‌ای یک شاه‌کلید جادویی است که می‌تواند درهای سیاسی و فرهنگی را باز کند و حتی حقوق برابر شهروندان را تأمین کند تمرکز وسواس‌گونه بر مسأله هسته‌ای برای او حداقل دو پیامد داشت: اول از همه از روز نخست تصدی منصب‌اش روحانی تصمیم گرفت که به تدریج بر سر مسایل غیرهسته‌ای فشار نیاورد تا پشتیبانی آن‌ها را به دست بیاورد یا تلاش‌های مخرب آن‌ها را برای به شکست کشاند سیاست هسته‌ای خود خنثی کند دوم با مفروض گرفتن این‌که توافق هسته‌ای امضا خواهد شد روحانی تمام تخم‌مرغ‌هایش را در یک سبد گذاشت دولت روحانی برنامه ثانوی و جایگزین نداشت که اگر سناریوی موفقیت در مذاکرات هسته‌ای با پیامدهایی جادویی محقق نشد چه خواهد کرد

طرفه آن است که هم ترامپ و هم خامنه‌ای اندک‌زمانی پس از امضای توافق نارضایتی‌شان را از این توافق ابراز کردند مدت‌ها قبل از آن که ترامپ رئیس‌جمهور شود. با این حال این دو هنگام ارزیابی علت بحران فعلی در ایران توضیحات متفاوتی ارائه می‌کنند. ترامپ برای خود از این بابت اعتبار قائل است که خروج او از توافق تاثیرگذار بوده تحریم‌های قبلی را مجدداً برقرار کرده و تحریم‌های تازه‌ای وضع کرده است. از آن طرف خامنه‌ای نقش تحریم‌ها را در بدتر شدن وضع معیشت مردم کم‌اهمیت جلوه می‌دهد و سوء مدیریت دولت را در سقوط ارزش پول ایران و سایر نشانه‌های بیماری وخیم اقتصادی کشور عامل اصلی می‌شمارد.

فهم مسأله ایران بدون اذعان به این موضوع ممکن نیست که بحران‌های این کشور هیچ‌کدام تازه نیستند. جمهوری اسلامی در طول تاریخ خود ثابت کرده است که در حل این بحران‌ها ناتوان است. اصولاً هر یک از این بحران‌ها با خلق بحرانی تازه فوریت‌اش را از دست می‌دهد و در نتیجه کوهی از چالش‌های چندبعدی بر هم انباشته می‌شود بدون اینکه کمترین امیدی برای حل آن‌ها وجود داشته باشد. عزم حاکمیت برای مسدود کردن تلاش‌های اصلاح‌طلبانه و سرکوب مطالبات دموکراتیک از یک سو و شدت بخشیدن به نظام‌سازی کل دولت از سوی دیگر جامعه را ذره‌ای می‌سازد و شهروندان‌اش را سیاست‌زدایی می‌کند.

کاوش عمیق‌تر در لایه‌های سیاست ایران شباهت‌های زیاد میان ایران و سایر دولت‌های «پسا-توتالیتار» را آشکار می‌کند. در نظر اول ممکن است شنیدن این حرف عجیب باشد که میان بنیادگرایی شیعه و امپراتوری‌های خودکامه ضدینی شباهت‌های فراوانی وجود دارد. اما دولت اسلامی پسا-انقلاب با پیروی داوطلبانه از الگوی کشورهای استبدادی همسایه شکل گرفت و تحکیم یافت. چهار دهه بعد از انقلاب شباهت جدی میان ابعاد مختلف رفتار ایران با خصایص بنیادین نظام‌های پسا-توتالیتار در کشورهای سابق بلوک شرق می‌توان یافت.

رویکرد رهبران ایران آن است که به جای توجه به بحران پیش رو و تحلیل آن انکارش کنند یا آن را نادیده بگیرند. کم‌اهمیت تلقی کنند و یا عامدانه ماهیت آن را به غلط صورت‌بندی کنند. با بدتر شدن بحران دیدگاه رژیم فریبکارانه می‌شود و می‌خواهد با ایجاد مشکلات بزرگ‌تر به مقابله با مشکلات موجود برود. بحران‌ها فقط می‌توانند زاده شوند رشد کنند و چند برابر شوند بدون اینکه هیچ چاره یا پایانی برای آنها وجود داشته باشد. ابتکار عمل‌های اصلاح‌طلبان نیز که به خاطر خطاهای خودشان سرکوب شدند و به حاشیه رفتند ناکام می‌ماند و به رشد تیمی تندرو مجال می‌دهد که منافع دولت را در روش تهاجم انقلابی می‌بینند. مردم عادی احساس می‌کنند که هم انقلاب و هم اصلاح به آن‌ها خیانت کرده و از وعده‌های اتوپیایی در کنار واقعیت‌های جانگداز خسته شده‌اند.

در نتیجه مردم رنج بیشتری تحمل می‌کنند و به عنوان بهترین راه برای بقا غیرسیاسی می‌شوند. دهشت‌افکنی نظامی و انقلابی در داخل و جنگ‌های نامتقارن در خارج مرزهای بحران را بی‌وقفه گسترش می‌دهد. جمهوری اسلامی که از فهم جنبه‌های مشکل‌زای سیاست‌هایش یا پیامدهای مهلک آنها ناتوان است از به رسمیت شناختن واقع‌بینانه هر گونه بحرانی امتناع می‌کند چه برسد به این‌که با تصحیح سیاست‌های شکست‌خورده جاه‌طلبی‌های ایدئولوژیک‌اش را با استفاده از فرصتی که هنوز برای عمل دارد کنار بگذارد. هر چه بحران بزرگ‌تر می‌شود مردم بیشتر می‌پرسند: «جمهوری اسلامی کی سقوط می‌کند» اما کارنامه مستمر ایران به عنوان حکومتی خودکامه و پان-اسلامی به جای دولتی مبتنی بر منافع ملی خودش پرسش حتی دشوارتری را پیش می‌کشد: «چه چیزی تا کنون مانع از سقوط توتالیتاریسم انقلابی ایران شده است»

** مهدی خلجی هموند: انواده لیبتسکی در انستیتو واشینگتن است.*

RECOMMENDED



Bennett's Bahrain Visit Further Invigorates Israel-Gulf Diplomacy

فوریه ۲۰۲۲

◆
Simon Henderson

(/policy-analysis/bennetts-bahrain-visit-further-invigorates-israel-gulf-diplomacy)



BRIEF ANALYSIS

Libya's Renewed Legitimacy Crisis

فوریه ۲۰۲۲

◆
Ben Fishman

(/policy-analysis/libyas-renewed-legitimacy-crisis)



BRIEF ANALYSIS

The UAE Formally Ceases to be a Tax-Free Haven

فوریه ۲۰۲۲

◆
Sana Quadri ,
Hamdullah Baycar

(/policy-analysis/uae-formally-ceases-be-tax-free-haven)

TOPICS

(fa/policy-analysis/aqtsad-ayran/) اقتصاد ایران

(fa/policy-analysis/amwrdakhly-ayran/) امور داخلی ایران

(fa/policy-analysis/syast-amryka/) سیاست آمریکا

REGIONS & COUNTRIES

(fa/policy-analysis/ayran/) ایران